

به زبان آدمیزاد

مهرت اجتماعی

دانشگاه بی صدا،
آدم بی هویت می سازد

از بحران داخل تا
چگونگی خرج!

خدا نگهدار
ایران ...





«دانشگاه نخستین گام به سوی اجتماع بزرگ تر»

شاید مفهوم یک اجتماع بزرگ برای هر یک از ما متفاوت باشد، اما برای بسیاری، ورود به دانشگاه نخستین گام در این مسیر است. دانشگاه نه تنها محل تحصیل، بلکه مکانی برای تجربه، رشد فردی و مواجهه با انتخاب‌های دشوار است. این محیط، بستری را فراهم می‌کند که دانشجویان در آن با افراد مختلف از سنین و دیدگاه‌های گوناگون روبه‌رو شوند، تعامل کنند و هنر گفتگو را بیاموزند. این تجربیات، بخشی از چالش‌هایی است که هر دانشجو در مسیر خود با آن‌ها روبه‌رو خواهد شد.

زندگی دانشجویی ارتباطی عمیق با آینده شغلی و دغدغه‌های مرتبط با مسیر حرفه‌ای دارد. خروج از نام «دانش‌آموز» و پذیرش هویت جدید به‌عنوان «دانشجو» آغاز سفری تازه است؛ اما آیا مسئولیت‌های این عنوان به‌اندازه بزرگی و اهمیت آن، احساس می‌شود؟ آیا دانشجویان، این قشر تأثیرگذار، جایگاهی در جامعه دارند؟ این پرسش نه تنها چالشی است که باید به آن اندیشید، بلکه فرصتی برای بازنگری در نقش و تأثیر خود در جامعه نیز محسوب می‌شود.

در این شماره از نشریه، تلاش کرده‌ایم به زبانی روان و ساده، جنبه‌های مختلف زندگی دانشجویی را بررسی کنیم؛ از چالش‌ها و دشواری‌ها تا فرصت‌هایی که این مسیر فراهم می‌کند.

دانشگاه بی صدا، آدم بی هویت می سازد.

«کارشناسی حسابداری» نازنین رفاهی

خلاصه وار می‌گوییم که خواننده شود! بدون تمثیل می‌گوییم که همیشگی شود. خلاصه وار بخوانید برای ابدیت! دانشگاه بی صدا، آدم بی هویت می‌سازد!

صحنه گفت‌وگو، ذات دانشگاه است اما دانشگاهی که سخن نمی‌گوید، تربیت هم نمی‌کند. این امر بر گردن نه صرفاً نهاد دانشگاه که دانشجوی است. به دور از انتقاد غیرسازنده و در پی اعمال بهترین روش، در این قسمت از نشریه به چالشی نهادینه شده در دانشگاه می‌پردازیم؛ عادات روزمره‌ای که گرچه ناچیز می‌نمایند، اما خشت‌خشت هویتمان را می‌سازند. آدمی برای شکفتن، به مأمن نیاز دارد نه صرفاً سقفی که خانه نام گیرد و امروزه دانشگاه بیش از آنکه مأمن باشد، محل عبور است. اگر دانشگاه خانه نباشد، استاد و مدرک نیز انسان نمی‌سازد! بی‌پناهی هویت از همین جا نشأت می‌گیرد؛ جایی که فضا سرد است و روابط مسکوت... حال شما بگویید که دانشگاه، خانه است؟ یا فقط یک ایستگاه بی‌درنگ؟ ایستگاهی که در پی اتوبوسش منتظر می‌مانیم، بیایید، برویم و باز هم همان مثلث ترسناک این روزگار... سلف، خوابگاه و کلاس درس

آنچه مغفول مانده، اراده جمعی دانشجویان برای تربیتی آغشته به علم در بطن دانشگاه است. گفت‌وگویی صبورانه میان انسان و انسان، اندیشه و اندیشه، نسل و نسل؛ چیزی که تماماً به دور از آیم! انقدر دور که یادمان رفته هدف چیست. نمی‌بینیم، تجمیعی برای دیده‌ها وجود ندارد یا خرگوش وار به غفلت رسیده‌ایم را نمی‌دانم اما همگی، حرف‌هایمان توخالی است. زنده درمی‌رویم؛ حتی نمی‌دانیم که به هدف خورده است یا نه...

((آیا این همان شدنی‌ست که باید می‌شد؟))

نه در پی سیاه‌نمایی‌ایم، نه در آرزوی گذشته‌ای موهوم؛ بلکه سخن از ((آینده‌ای ممکن)) می‌گوییم. دانشجوی نه صرفاً دریافت‌کننده دانش، که عالم تغییر؛ نه صرفاً درگیر درس، که درگیر معنا. اگر دانشگاه قرار است خانه باشد، باید با دستان خودمان گرمش کنیم، نه با انتظار از دیگران. نه نقد بدون استدلال و نه نفی بدون منطق!

باهم، نه فقط کنار هم!

اتحاد دانشجویی تنها محدود به بیانیه‌ها نیست. شناخت دغدغه‌ها، گفتگوهای بی‌ریا و دوستی‌های آگاهانه، زمینه‌ساز شکل‌گیری دانشگاهی خانه‌مانند است. بدون این روابط انسانی عمیق، دانشگاه جز مجموعه‌ای از فضاهای سرد و بی‌روح باقی نمی‌ماند.

نرمی نقد، عمق می‌سازد!

نقد به معنای تهاجم و تخریب نیست، بلکه نشانه‌ای از عزم برای تغییر است. وقتی رفتار یا پوششی خلاف شأن دانشگاه باشد، سکوت به معنای همراهی با آن وضعیت است. نقد آرام، مستمر و همراه با همدلی، راه اصلاح را هموار می‌کند و به تقویت هویت جمعی کمک می‌کند.

صدا، از درون برمی‌خیزد.

دانشگاه بی‌صداست؟ شاید. اما این سکوت نه تحمیلی‌ست، نه صرفاً برآمده از نهادها. این سکوت از درون ما شروع شده است؛ از تشکلهایی که صرفاً مناسبت‌ها را برگزار می‌کنند، و از دانشجویی که «بودن» در دانشگاه را به یک نام در سیستم آموزشی تقلیل داده است. وقت آن است که صدای خود را از دل این سکوت بیرون بکشیم و نگذاریم دانشگاه به محملی خاموش بدل شود. تشکلهای صرفاً مناسبتی، میدانی برای گفت‌وگو، کنش فکری و تربیت جمعی شوند. به دور از تکریم تقویم محوری!



نقش دانشگاه در توسعه مهارت های اجتماعی و شخصیتی دانشجویان

فرزانه کشتکار «کارشناس علوم سیاسی»

از دیگر جنبه های مهم، ایجاد فرصت های کارآموزی و همکاری های علمی و صنعتی است که امکان کسب تجربه عملی و تقویت مهارت های حرفه ای را برای دانشجویان فراهم می کند. مواجهه با محیط های کاری، ضمن ارتقای توانمندی های فردی، به تقویت توانایی تعامل اجتماعی و ارتباط مؤثر با همکاران و مدیران کمک می کند.

دانشگاه علاوه بر نقش آموزشی، بستری گسترده برای تبادل فرهنگی و توسعه مهارت های اجتماعی فراهم می کند. دانشجویان در این محیط با دیدگاه های متنوع آشنا شده و توانایی تطبیق با شرایط گوناگون را کسب می کنند. با این حال، نباید انتظار داشت که دانشگاه به تنهایی تمامی مهارت های لازم را در اختیار دانشجو قرار دهد. بهره گیری از فرصت های بیرون از دانشگاه، مانند حضور در محیط های کاری واقعی، شرکت در نشست های تخصصی و تعامل با افراد حرفه ای، نقش مهمی در تکمیل فرآیند یادگیری و آماده سازی برای ورود به عرصه های اجتماعی و حرفه ای دارد. از این رو، موفقیت دانشجویان در گرو استفاده بهینه از مجموعه این فرصت ها، درون و بیرون از دانشگاه، خواهد بود.

دانشگاه، به عنوان یک نهاد آموزشی و اجتماعی، نقش مهمی در توسعه مهارت های اجتماعی و شخصیتی دانشجویان ایفا می کند. این مهارت ها شامل توانایی برقراری ارتباط مؤثر، همکاری در فعالیت های گروهی، افزایش اعتماد به نفس، و تقویت قدرت تصمیم گیری است. دانشجویان در محیط دانشگاه با چالش های متعددی روبه رو می شوند که زمینه رشد فردی و اجتماعی آنان را فراهم می سازد.

یکی از مهم ترین جنبه های تأثیرگذار دانشگاه، ایجاد فرصت های تعامل و ارتباط میان دانشجویان است. فضاهای آموزشی و اجتماعی مانند کتابخانه ها، انجمن های علمی، و مراکز فرهنگی بستری مناسب جهت تبادل تجربیات و گسترش روابط اجتماعی فراهم می کنند. علاوه بر این، برگزاری رویدادهای علمی، فرهنگی و اجتماعی نظیر سمینارها، جشنواره ها، و مسابقات، دانشجویان را به تعامل بیشتر با یکدیگر و ارتقای مهارت های ارتباطی ترغیب می کند.

نقش دانشگاه در توسعه شخصیت دانشجویان نیز قابل توجه است. ارائه خدمات مشاوره ای توسط متخصصان و تعامل مستمر با اساتید و هم دانشجویان، در شکل دهی نگرش ها، افزایش مسئولیت پذیری، و تقویت استقلال فردی مؤثر است. همچنین، دانشگاه با ارائه دوره های آموزشی و مهارتی، زمینه رشد علمی و حرفه ای دانشجویان را فراهم کرده و آنان را برای ورود به جامعه و بازار کار آماده می سازد.



از بحران دخل تا چگونگی خرج!

«سید محمدرضا کشاورز» کارشناس مدیریت بارزگانے «علیرضا جعفری» کارشناس مدیریت صنعتے

در دنیای پرشتاب و پرهزینه امروز، یکی از چالش‌های اساسی دانشجویان، مدیریت مالی و حفظ تعادل بین درآمد محدود و هزینه‌های روزافزون است. بسیاری از دانشجویان با مشکلاتی مانند پرداخت شهریه، اجاره خوابگاه یا خانه، تأمین خوراک و وسایل آموزشی مواجه‌اند. به ویژه اگر استقلال فردی و درونی بیشتری داشته باشند. این مقاله تلاشی است برای بررسی جنبه‌های مختلف "اقتصاد دانشجویی" و ارائه راهکارهایی کاربردی برای بودجه‌بندی، مدیریت هزینه‌ها، کسب درآمد در دوران دانشجویی و استفاده از بورسیه‌ها و حمایت‌های مالی.

۱) بودجه‌بندی: مهارتی برای تمام عمر

بودجه‌بندی اولین گام در مسیر مدیریت مالی شخصی است. این مهارت نه تنها در دوران دانشجویی، بلکه در تمام مراحل زندگی می‌تواند به داد ما برسد. برای یک دانشجو که معمولاً درآمد ثابتی ندارد، برنامه‌ریزی مالی منظم می‌تواند مانع از بروز بحران‌های ناگهانی شود. برای شروع، می‌توان لیستی از تمامی هزینه‌های ماهانه تهیه کرد:

هزینه‌های ثابت: شهریه، اجاره خوابگاه یا خانه، اینترنت، حمل‌ونقل و ...

هزینه‌های متغیر: خوراک، پوشاک، تفریح، لوازم تحریر و ...

سپس باید درآمد (در صورت وجود) یا کمک‌هزینه‌های ماهانه (مانند پول توجیبی از خانواده یا بورسیه) را در نظر گرفت. اگر میزان هزینه‌ها از درآمد بیشتر باشد، زمان بازنگری و کاهش هزینه‌ها فرا رسیده است. (البته می‌دانیم نمی‌توان هر هزینه‌ای را کاهش داد یا حذف کرد.)

ابزارهایی مثل اپلیکیشن‌های مدیریت مالی و حسابداری شخصی که نمونه‌های آن در بسترهای نصب برنامه وجود دارد یا حتی یک فایل اکسل ساده می‌توانند به بودجه‌بندی کمک کنند. حتی اگر هیچ‌کدام از اینها در دسترس شما نیست یک دفترچه ساده هم کار شما را جلو می‌برد، مهم این است که نظم داشته باشید و هزینه‌ها و درآمدهایتان را ثبت کنید.

۲) مدیریت هزینه‌ها: کم خرج ولی با کیفیت

مدیریت هزینه‌ها به معنای کاهش کیفیت زندگی نیست، بلکه به معنای خرج کردن هوشمندانه است. ما می‌توانیم با اتخاذ برخی تصمیمات ساده، هزینه‌های خود را به شکل چشمگیری کاهش دهیم:

استفاده از تخفیف‌های دانشجویی: بسیاری از فروشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و آموزشی برای دانشجویان تخفیف‌هایی ارائه می‌دهند. همیشه کارت دانشجویی همراه داشته باشید. فراموش نکنید استفاده از تخفیف‌های زمانبندی شده فروشگاه‌ها یا پلتفرم‌های اینترنتی همیشه پیشنهادهای خوبی برای خرید با حداقل هزینه دارند.

خرید کالای دست‌دوم: از کتاب‌های درسی گرفته تا لپ‌تاپ، بسیاری از اقلام مورد نیاز را می‌توان با کیفیت قابل قبول و قیمت پایین‌تر تهیه کرد. لازم نیست حتماً بهترین و نوترین امکانات را در اختیار داشته باشید. نباید رسیدن به اهداف شخصی را صرفاً به بهترین امکانات گره بزنید. در یک عبارت زیاد سخت نگیرید!!

اشتراک‌گذاری هزینه‌ها: زندگی مشترک با هم‌اتاقی‌ها و تعامل می‌تواند هزینه‌های ما را کاهش دهد. حتی می‌توان مواد غذایی را به صورت دسته‌جمعی تهیه کرد. اگر ساکن خوابگاه هستید و مصرف اینترنت شما از حد اختصاص داده شده بیشتر است، خرید اینترنت دانشجویی از بستر دانشگاه نسبت به اینترنت آزاد اپراتورها و حتی اینترنت شبانه، گزینه بهتری است.

برنامه‌ریزی غذایی: اگر پرداخت هزینه غذای آزاد برای شما پرهزینه است و زمان و حوصله کافی برای درست کردن غذا ندارید، می‌توانید پخت غذا و شستن ظرف‌ها را نوبتی کنید. البته شرطش این است که کسی شانه خالی نکند ...

اگر معده و دستگاه گوارش خوبی دارید از بیرون‌برها و فست و فودهای شهر غذاهای ارزان سفارش دهید. فست فود مضرات خود را دارد پس سعی نکنید به خاطر کیفیت نه چندان بیشتر هزینه‌های گزاف بدهید. البته این مورد برای پسران مناسب‌تر است.



۳) کسب و کار دانشجویی: از ایده تا درآمد

با گسترش اینترنت و فضای دیجیتال، فرصت‌های کسب درآمد برای دانشجویان بیش از گذشته فراهم شده است. بسیاری از دانشجویان با استفاده از مهارت‌های شخصی خود، به درآمدزایی رسیده‌اند. البته این کار ممکن است زمان و انرژی بسیار زیادی را از شما بگیرد. **فریلنسری (آزادکاری):** طراحی گرافیک، برنامه‌نویسی، ترجمه، تولید محتوا، تدریس آنلاین و بسیاری مهارت‌های دیگر در سایت‌هایی مثل پونیشا، کارلنسر، انجام میدم یا حتی پلتفرم‌های بین‌المللی قابل ارائه هستند.

آموزش خصوصی: تدریس دروس مدرسه، زبان انگلیسی یا مهارت‌های خاص (مانند موسیقی یا نرم‌افزارهای تخصصی) می‌تواند درآمد مناسبی ایجاد کند.

فروش محصولات: برخی دانشجویان با فروش صنایع دستی، محصولات چای، غذای خانگی یا وسایل دست‌ساز در اینستاگرام یا بازارچه‌های محلی و حتی کار در غرفه‌های دانشگاه درآمد دارند.

استارت‌آپ دانشجویی: گاهی ایده‌های کوچک به کسب‌وکارهای موفق تبدیل می‌شوند. دانشگاه‌ها می‌توانند با حمایت از کارآفرینی دانشجویی، مسیر موفقیت را هموار کنند. دانشگاه شیراز نیز در مراکز رشدی که در اختیار دارد می‌تواند در این زمینه به ایده‌های شما کمک کند. البته توقع نداشته باشید از همان روز اول درآمد داشته باشید چرا که مسیر کارآفرینی بسیار زمان بر است.

۴) بورسیه‌ها و حمایت‌های مالی:

مؤسسات خیریه و بنیادها: برخی سازمان‌ها و بنیادها مانند بنیاد ملی نخبگان، بنیاد علوی یا مؤسسات خیریه، کمک‌هزینه‌هایی برای دانشجویان کم‌بضاعت فراهم می‌کنند.

برای موفقیت در دریافت بورسیه، تهیه رزومه و انگیزه‌نامه مناسب، توصیه‌نامه علمی و تسلط بر زبان (در موارد بین‌المللی) از اهمیت بالایی برخوردار است.

فرصت‌هایی که نباید از دست داد بورسیه‌ها و کمک‌هزینه‌های تحصیلی می‌توانند بار مالی بزرگی را از دوش دانشجو بردارند. اما بسیاری از دانشجویان اطلاعات کافی درباره این فرصت‌ها ندارند.

بورسیه‌های داخلی: برخی دانشگاه‌ها بر اساس معدل، شرایط مالی یا پژوهش‌های دانشجویی، بورسیه‌هایی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند. مراجعه به دفتر امور دانشجویی یا سایت دانشگاه و بخش استعدادهای درخشان و حمایت‌های آن می‌تواند اطلاعات مفیدی به دست آورد.

موضوعی که به آن پرداختیم، یک چالش واقعی اما قابل مدیریت است. با یادگیری مهارت‌های ساده‌ای چون بودجه‌بندی، مدیریت هزینه، یافتن راه‌های کسب درآمد و استفاده از حمایت‌های موجود، می‌توان دوران دانشجویی را با آرامش و امنیت مالی بیشتری سپری کرد. این مهارت‌ها نه تنها در زمان دانشجویی، بلکه در تمام عمر به کار خواهند آمد. پس بیایید از امروز شروع کنیم؛ با یک دفترچه ساده یا یک اپلیکیشن مالی، اولین قدم را در مسیر استقلال مالی برداریم. در آخر یادمان نرود که وظیفه اصلی ما کسب علم و دانش است. مراقب باشید درآمدهای موقت فعلی شما را از کسب علم و رسیدن ده جایگاه‌های بهتر شغلی در آینده محروم نکند.

«» پس هزینه فرصت‌های خود را عاقلانه انتخاب کنید!!!



خدانگهدار ایران...



◀ **محمد حسین منشی** «کارشناس علوم سیاسی»

در دیداری صمیمی با جناب آقای دکتر شیرازی، استاد محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، گفت و گویی درباره مسئله مهم مهاجرت دانشجویان انجام دادیم. در این گفت و گو، سه پرسش کلیدی را با ایشان در میان گذاشتیم:

◀ «دکتر علی شیرازی»



به نظر حضرت عالی، مهم ترین عوامل مهاجرت دانشجویان از کشور چیست و تا چه میزان می توان این پدیده را ناشی از فاصله گرفتن از ارزش های بومی و دینی دانست؟

با دارا بودن ظرفیت های علمی و فرهنگی موجود در کشور، چرا برخی نخبگان همچنان ترجیح می دهند مسیر آینده خود را در خارج از مرزها دنبال کنند؟

برخی بر این باورند که مهاجرت نخبگان لزوماً پدیده ای منفی نیست و می تواند به انتقال تجربه و گسترش ارتباطات علمی بین المللی منجر شود؛ دیدگاه شما در این زمینه چیست؟ چگونه می توان این مهاجرت را به فرصتی سازنده برای کشور تبدیل کرد؟

دکتر شیرازی در پاسخ به این پرسش ها دیدگاه های ارزشمند خود را به شرح زیر بیان کردند: (درباره مهاجرت دانشجویان به خارج از کشور چند نکته را باید در نظر گرفت:

اول از منظر فلسفی و هستی شناسانه؛ زمانی که باورها و به تبع آن ارزش های انسان در بُعد حیات مادی خلاصه شود و از باورها و ارزش های معنوی فاصله بگیرد، تک بُعدی می شود و ناگزیر در تصمیمات خرد و کلان زندگی خود به دام اشتباه محاسباتی می افتد. ریشه این اشتباه این توهم است که ما در این دنیا الی الابد هستیم و بعد از این جهان هم، جهان دیگری وجود ندارد. البته حسشان این است، علمشان این نیست؛ یعنی می دانند که باید بمیرند و می میرند ولی باور ندارند؛ بنابراین تمام تلاششان را برای رسیدن به انواع لذت ها در دنیا می کنند؛ می گویند: «ما که همین جا بیشتر نیستیم و دنیایی دیگر در کار نیست؛ پس باید هر چه قدر می خواهیم در همین دنیا کیف کنیم. بعد هم که می میریم و پوچ می شویم.»

قرآن در سوره روم آیه ۷ می فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

(آن ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند و از آخرت [و پایان کار] غافل اند.) این باعث می شود که در محاسباتشان فقط مادی حساب کنند.

نکته بعد در همین حوزه فلسفه و هستی شناسی این است که خود محوری جای باقی ارزش ها را می گیرد؛ می گوید این منم که مهم هستم؛ به من چه که بقیه در این مملکت یا در جهان چه بر سرشان می آید، اصلاً من چه کار می توانم بکنم؟ مگر با یک گل بهار می شود؟ یعنی هیچ رسالتی از جمله رسالت اجتماعی برای خودش قائل نیست.

اصلاً همه دزد، همه بد! تو چرا می خواهی فرار کنی؟ تو چرا از خیری که می توانی برسانی، فرار می کنی؟ مثلاً من چشم پزشکی و می خواهم چشم بیمارانم را درمان کنم؛ اگر در وطنم، چشم صد نفر از همشهریانم را درمان کنم بهتر است یا صد نفر بیگانه ای که هم وطن من نیستند؟ ببینید این یک مسئله است. ما باید یک عرقی به این خاک داشته باشیم؛ از قدیم گفته اند که "دیگران کشتند و ما خوردیم؛ ما بکاریم تا دیگران بخورند." تو هم کاری برای کسانی که که حقی به گردن تو دارند، انجام بده. شما نمی توانی همه بیماران چشم را درمان کنی؛ درست است. اصلاً یکی ایستاده و دارد مردم را یکی یکی با چاقو کور می کند و تو نمی توانی جلوی او را بگیری؛ اما تو می توانی یک نفر را از کوری نجات بدهی پس نجات بده. اگر می توانی به یک نفر کمک کنی، کمک کن؛ نگو چون یک نفر هست که دارد ضرر عمده ای می زند دیگر کار من فایده ندارد؛ نه! اگر تو به اندازه یک نفر مفیدی، همان فایده را برسان. هر چه قدر که می توانی فایده برسان؛ خیرت را برسان.



بنابراین مسئله دوم «خودمحوری و سلب مسئولیت اجتماعی» است؛ سلب مفهوم گذشت و ایثار. همه این‌ها رنگ می‌بازد؛ چرا؟ چون من بنیانم ماتریالیستی شده است؛ اومانیستی و خودخواهانه. مثالش هم خیلی زیاد است: مثلاً زمانی که رئیسعلی دلواری جانش را گذاشت وسط، فقط ۳۰ سالش بود یا خیلی از بزرگان دیگر مثل میرزا کوچک‌خان جنگلی، ستارخان، باقرخان و همه آن‌هایی که برای مملکت تلاش کردند و آدم‌های مفید و مثبتی بودند. مگر این‌ها غیر از این است که روحیه رشادت و وطن‌دوستی داشته‌اند؟ دیگرخواهی به جای خودخواهی؛ با روحیه خودخواهی کسی رئیسعلی دلواری نمی‌شود؛ با روحیه خودخواهی کسی حاج قاسم سلیمانی نمی‌شود؛ خوب حالا من اگر بخوایم خودخواهی کنیم، برای چه اینجا بمانم و سختی بکشم؟ می‌روم یک جایی که خودم فکر می‌کنم بیشتر می‌توانم کیف کنم.

سومین نکته همین «اصالت لذت» است؛ یعنی من دنبال لذت بیشتری هستم. اولی چه بود؟ آخرتی در کار نیست؛ دومی خودمحوری و سومی لذت‌طلبی بود؛ یعنی هر چه به من لذت بدهد، همان خوب است.

یک موقع لذت، ابزار است و یک موقع هدف. اگر لذت، ابزار باشد خیلی هم خوب است، لذت حلال؛ اگر لذت ابزار رسیدن به کمال باشد، خیلی هم خوب است؛ اگر لذت برای من هدف نیست، ابزار رسیدن به هدف است و کمک‌کار من است، خوب است؛ اما اگر هدف شد، خوب نیست و خطرناک است؛ برخلاف انسانیت انسان است.

این سه تا نکته فلسفی و کلیدی بود که الان می‌توانستم خیلی مختصر و مفید عرض بکنم که هم بومی است و هم دینی.

حتی اگر کسی بخواهد از نگاه ناسیونالیستی هم نگاه کند، باز هم رفتنش از وطن غلط است؛ یعنی اگر بخواهد غربی هم نگاه کند، به تناقض می‌رسد چون خود غربی‌ها قائل به ناسیونالیسم هستند؛ یعنی بمان و ایران را آباد کن؛ یک خار از پیش پای یک نفر بردار. خوب این مهاجرت کردن و شهروند غربت شدن، کجایش با ناسیونالیسم جور است؟ غرب را به لفظ می‌خواهی ولی باز در غرب‌گرایی هم گزینش می‌کنی؛ طوری که با میل‌ها و لذت‌های جور دربیاید.

درباره اینکه رفت و برگشت نخبگان می‌تواند به انتقال تجربه منتهی بشود، درست است؛ در صورتی که مهاجرت نباشد یا به مهاجرت منتهی نشود. برو کسب علم و تجربه کن و برگرد. یکی از مشکلات ما، آرمان‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی است؛ یعنی ما قانونمان صفر یا صد است؛ می‌گوییم یا همه یا هیچ؛ یا می‌خواهیم که صد درصد بشود یا اصلاً نمی‌خواهیم که بشود!

اگر از این بیایم پایین، بله خیلی هم موافقیم. بسیار خوب است که از رفت و برگشت هوشمندان و با برنامه استفاده کنیم؛ ولی هدفمند باشد نه اینکه نخبه ما به لحاظ فکری کاسه خالی برود و آنجا پر بشود و با تفکر اعوجاجی برگردد.»



راه‌های ارتباطی:

https://zil.ink/jad_shz

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز | مدیر مسئول: مهدیه کشاورز
سردبیر: مهدیه کشاورز | ویراستاران: نرجس محمدی، مرضیه زراوشان
طراح: ام البنین حساوین شماره مجوز: ۱۹۰/ک.ن.ش / شماره ۱۵ خردادماه ۱۴۰۴

